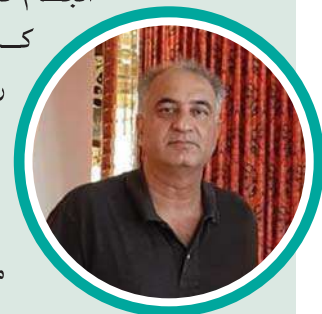


کودکان بانشاط و با انگیزه؛ آینده‌سازان بهتر

انجام کار خیر همواره برای خیران لذت‌بخش بوده است، آن‌چنان‌که مال‌ومنالی را که با هزاران زحمت و تلاش کسب کرده‌اند با حلاوت قلب، دست‌ودل‌باز، روی گشوده و خاطر آسوده برای مردم و جامعه هزینه می‌کنند. گویی که انگار این دسترنج را برای خودشان و یا فرزندانشان صرف کرده باشند، زیرا برای پرداختن به این‌گونه اقدامات، هرگز دست‌ودلشان نلرزیده و هیچ‌گاه روند آن را متوقف نکرده‌اند. حتی در برخی موارد کارهای خیر آن‌ها از دید همگان مخفی می‌ماند و کسی نمی‌داند چه کسی و چگونه آن عمل خیر به انجام رسیده است. البته در این بین بعضی اقدامات خیرخواهانه تا سال‌های زیادی به یادگار می‌ماند و یادگاری نیک از بانیان خیر که از آن‌ها به‌وفور در جامعه یافت می‌شود، باقی می‌گذارد. شاید هرگز نتوان بین این‌گونه کارهای خیر و خدایسندانه تفکیک یا اولی‌تی قائل شد و هرکدام به فراخور زمان نیاز مبرم یک جامعه باشند، اما فضاهای آموزش همیشه و همواره نقش انکارناشدنی در آینده یک جامعه داشته‌اند زیرا آموزش بدون داشتن فضای مناسب، آن‌گونه که باید، حاصل نمی‌آید. مدرسه‌سازی خیران، نوعی انسان‌سازی است که آینده یک کشور را می‌سازد.



رشد مناسب کودکان، استفاده عادلانه و مساوی از فضا و امکانات آموزشی و ساختن کشوری شاد و آباد شاید از مهم‌ترین نیت‌های خیران مدرسه‌ساز برای گام نهادن در این امر خیر و ماندگار باشد. مدرسه مهم‌ترین مکانی است که کودکان می‌توانند در آن اصول انسانی، عشق، محبت، همدلی و همراهی را بیاموزند و از آنجایی‌که همواره آمارهای ارائه‌شده نشان از کمبود فضای آموزشی و نامناسب بودن اوضاع تحصیلی دارد، نقش خیران در ساخت مدارس از اهمیت بالایی برخوردار است.

استان کرمان نیز خیران مدرسه‌ساز بسیاری دارد که در طول دهه‌های گذشته نقش پررنگی در افزایش سرانه فضای آموزشی داشته، مسئولیت‌های اجتماعی خود را به نحو احسن انجام داده‌اند و البته همچنان این مسیر را ادامه می‌دهند. یکی از خیران مدرسه‌ساز استان «حسین عباسلو» نام دارد، وی در روستای «پوزه‌خون» در ۵۰ کیلومتری محور سیرجان - بندرعباس متولدشده، متأهل و دارای یک فرزند دختر و یک فرزند پسر است، شغل اصلی او تجارت و از ۱۰ سال پیش فعالیت در مسیر مدرسه‌سازی را آغاز کرده است. وی به خبرنگار ما می‌گوید: کار خیر را در حالی دنبال می‌کنم که به واسطه شغلم، ۲۵ سال است که خارج از کشور زندگی می‌کنم.

در زمانی اندک به گفت‌وگو با او پرداختیم و در رابطه با فعالیت‌های مدرسه‌سازی هم‌کلامش شدیم.

همراه و پشتیبان من در تمام سختی‌های زندگی بوده است. در ایران بیشتر این تفکر وجود دارد که ما مالک فرزندان خود هستیم و معمولاً اگر کسی پول زیاد دارد دیگر فرزندش کار نمی‌کند در حالی که در بسیاری از کشورها این‌گونه نیست و شخصیت فرزند از پدر جداست.

بیشتر درآمد من نیز صرف فعالیت‌های خیرخواهانه می‌شود و فرزندانم واقعاً نیازی به پول من ندارند. ما به‌عنوان پدر و مادر تا سنی باید از فرزندان حمایت کنیم، اما بعد باید خودشان کار کنند؛ آن‌ها باید فرهنگ کار کردن را یاد بگیرند و حتی اگر دستمزدی هم دریافت نکردند، سر کار بروند و مهارت کسب کنند. دنیا کاملاً هوشمند است و هر کس هر کاری کند نتیجه آن را می‌بیند و تا زنده‌ام و توان داشته باشم فعالیت‌های خیر را برای کودکان و نوجوانان توسعه می‌دهم.

◀ قبل از مدرسه‌سازی در امور خیر دیگری نیز فعالیت داشتید؟

قبل از مدرسه‌سازی، موردی به افراد و نیازمندان کمک می‌کردم، اما پس از مدرسه‌سازی به شادی و انگیزه بچه‌های بی‌سرپرست هم فکر کردم، اکنون حمایت تحصیلی و معیشت ۲۵۰ کودک یتیم و بد سرپرست را عهده دارم.

◀ چرا از بین فعالیت‌های خیرخواهانه به سراغ مدرسه‌سازی رفتید؟

کودکان پایه، آینده و شالوده این مملکت هستند، با برآورده شدن آرزوهای کوچک آن‌ها دنیای قشنگ‌تری می‌توانند بسازند. سعی کردیم تا حد توان برای این بچه‌ها فضاهای آموزشی زیبا و خوب فراهم کنیم تا دنیای کوچک آن‌ها با هدایای کوچک شاد شود. ضمن این‌که آینده‌نگری نیز هست و اگر کودکان روحیه، نشاط و انگیزه بیشتر و بهتری داشته باشند می‌توانند استان و کشور بهتری را بسازند.

◀ از چه زمانی و چگونه فعالیت‌های مدرسه‌سازی خود را آغاز کرده‌اید؟

حدود ۱۰ سال پیش (در سال ۸۹) با دوستی خیر به نام آقای داورپناه که دستی بر آتش مدرسه‌سازی داشت، پیشنهاد ساخت مدرسه در روستای محل تولدم را مطرح کردم. به این دلیل که مدرسه این روستا بسیار قدیمی و غیرقابل استفاده بود، ایشان گفت خود شما این کار را انجام دهید و مطمئن باشید پول شما کم نمی‌شود. این‌گونه شد که فعالیت مدرسه‌سازی را در زادگاهم آغاز کردم و واقعاً صحبت‌های ایشان به‌وضوح ثابت شد و نه‌تنها از مال من کم نشد بلکه خیروبرکت آن بسیار بیشتر شد و در نتیجه این کار ادامه یافت.

◀ چه تعداد مدرسه ساخته‌اید؟

در سیرجان ۱۶ مدرسه و در رابر ۵ مدرسه ساخته‌ام و در حال حاضر نیز ۳ مدرسه در بافت، یک هنرستان در سیرجان با مساحت ۱۷۵۰ مترمربع و یک ساختمان بهزیستی دو هزار متری در سیرجان در حال ساخت هستند.

◀ چقدر سرمایه برای ساخت اولین مدرسه هزینه کردید؟

برای ساخت اولین مدرسه شش کلاسه حدود ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۸۹ هزینه شد.

◀ برخی این تصور را دارند که کار خیر از محل درآمدهایی مثل ارث انجام می‌شود، برای شما این‌گونه بوده؟

من با درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در یک حوزه اقتصادی این کار را انجام داده‌ام. همیشه به دلیل کار و تلاش بسیاری که انجام داده و همواره پول را از خارج کشور به ایران آورده‌ام، سرمایه لازم را داشته‌ام. هرچند که پدرم وضع مالی خوبی داشت اما فرزندانش را به‌گونه‌ای پرورش داده که همواره به دنبال کار و تلاش بوده و از کودکی مستقل پرورش‌یافته بودند. من نیز سعی کردم همین روال را برای فرزندانم ادامه دهم، در حال حاضر پسرم در سن ۱۷ سالگی در کانادا کارگر ساختمان است و درس خود را هم می‌خواند. جا دارد از همسرم تشکر کنم که همیشه

◀ فقط در استان کرمان فعالیت مدرسه‌سازی داشته‌اید؟

فعالاً در استان این کار انجام می‌شود و اگر خدا لطف کند در آینده در مکان‌های دیگر هم مدرسه‌سازی انجام می‌دهیم.

◀ به‌عنوان شخصی که فعال اقتصادی است و مسئولیت‌های

اجتماعی خود را به خوبی انجام داده است چه صحبتی با سایر مردم و سایر فعالان اقتصادی که قصد دارند در این زمینه ورود کنند، دارید؟

افراد باید از زندگی شناخت پیدا کنند. هر کس در هر رشته‌ای که کار می‌کند باید کار خود را درست و از روی صداقت انجام دهد و به کارش عشق بورزد و به خاطر آن بمیرد. مولوی می‌گوید: «ای دیدن تو دین من، وی روی تو ایمان من» دین من نیز دیدن خداست. خدا را باید همواره در کار خود دید، حالا هر کاری که انجام می‌دهی، چه کارگر ساختمانی، چه خودروسازی، چه کفاشی و... باید خدا را در کار خود ببینی. به نظر من کار خوب را انجام دادن یعنی دین و ایمان داشتن به خدا و شناختن او.

نباید تصور کرد که باید حتماً پول و سرمایه داشت تا بتوان کار خیر انجام داد. خیر این‌گونه نیست. حتی یک خانم خانه‌دار هم که غذای خوبی برای اعضای خانواده‌اش درست می‌کند او نیز کار خیر انجام داده؛ حالا اگر کسی پول بیشتری دارد می‌تواند مدرسه‌سازی کند. اگر کسی قرار است برای وراثتش ۱۰ تا خانه بگذارد باید مدرسه بسازد، اما کسی که خودش خانه ندارد چه کند؟ او که نمی‌تواند مدرسه بسازد، پس باید کار خودش را درست و با صداقت انجام دهد. کارگری که صبح سر کارش می‌رود باید برای خدا کار کند و بگوید خدایا برای تو به سر کار می‌روم و همین می‌شود مسئولیتش که باید به نحو احسن انجام دهد.

کار خوب انجام دادن در هر شکلی، خود کار خیر

است که متأسفانه در ایران این مسئله کم‌رنگ است. خداشناسی باید در کارها وجود داشته باشد، متأسفانه تعداد کمی هستند که کار خود را درست انجام می‌دهند و بیشتر فعالیت‌های خود را برای دنیا انجام می‌دهند.

ما بزرگانی مانند سعدی، حافظ، مولوی و... داریم، این بزرگان به ما درس زندگی داده‌اند؛ متأسفانه نمی‌دانم به چه دلیل در طول تاریخ کم‌کم از آثار آن‌ها فاصله گرفته‌ایم و کمتر بچه‌های ما اشعار سعدی، حافظ و مولوی را می‌آموزند و بسیاری با آن‌ها بیگانه‌اند.

◀ سخن پایانی شما

تکتک ما ایرانی‌ها باید روی خودمان کار کنیم. نرافکنی روی خودمان بگذاریم و در هر لحظه و در هر روز کار خود را خوب انجام دهیم که متأسفانه خلاف این موضوع را به ما گفته‌اند. از کودکی به ما یاد داده‌اند که زندگی در آینده است؛ زیرا باید تلاش کنید تا در آینده دکتر و مهندس و پولدار شوید. به ما یاد داده‌اند که دنیا قانونمند است و باید چگونه زندگی کنیم. مولوی می‌گوید: «خنک آن‌کس که چو ماه شد همه تسلیم و رضا شد. گرو عشق و جنون شد گهر بحر صفا شد.»

آفرین به کسی که مانند ماه در آسمان تسلیم و راضی به رضای خداست. باید شرایط را بپذیریم زیرا یک روز زندگی به جایی می‌رسد که مانند ماه شب چهارده می‌درخشیم پس نباید با شرایط ستیز کنیم. قرار نیست کار عجیب و غریب کنیم و خیر شویم و مدرسه بسازیم. همین‌که صبح زود که بیدار می‌شویم به خود و اطرافیان انرژی مثبت دهیم، کافی است. این دنیا و خلقت بسیار هوشیار و قانونمند است و فقط بشر با ذهن خود کره زمین را خراب می‌کند و مخالف آن حرکت می‌کند و گرنه کار دنیا از روی عدالت و نظم است. ○